

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان
محمد آسگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

www.iskraa.org

ایسکرا
۲۹۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۰ آذر ۱۳۸۴ ، ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان



یدی محمودی

دو آتش بس یکطرفه، دو سیاست متفاوت!

میهنی در جریان بود و حالا حزب ریبوار احمد مسئولانه می خواهد به این جنگ پایان دهد و مبارزه را در عرصه سیاسی و طبقاتی پیش ببرد. بلکه این آتش بسی طبقاتی است. آتش بس بر سر دفاع از منافع مردم محرم عراق، آتش بس بر سر کوتاه آمدن از مبارزه علیه ناسیونالیسم گندیده در عراق و جنگ هر روزه بر سر مدنیت و

صفحه ۲

اخیرا ریبوار احمد لیبر حزب کمونیست کارگری عراق طی اطلاعیه ای آتش بس!! یکطرفه به اتحادیه میهنی کردستان عراق داده است و از اتحادیه میهنی می خواهد به این سیاست جدیدشان عکس العمل درست نشان دهد و دست از جنگ طلبی و سرکوبشان بردارند. باید این آتش بس را جدی گرفت اما نه از آن رو که جنگ نظامی ای طی این پنج سال بین حزب ریبوار احمد و اتحادیه

در مقابل احضار ها باید اعتراض سازمان داد

این اعتراضات و مبارزات، رژیم را وادرا کرد تا برای جلوی گیری از ابعاد و گسترش مبارزات مردم دستگیر شدگان را با قید وثیقه آزاد کند.

در جریان اعتراضات و مبارزات مردم بر علیه رژیم در تابستان سال گذشته که عملاً شکل يك اعتصاب عمومی بر علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی را به خود گرفت صدها نفر در شهر های کردستان دستگیر شدند.

درست بعد از انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب احمدی نژاد بود که مردم در شهرهای کردستان در اعتراض به بقتل رساندن شوانه در

صفحه ۴

است که احضار شدگان اکثرا کسانی بودند که در جریان خیزشهای شهرهای کردستان و نآرامی های تابستان گذشته در اعتراض به سرکوب مبارزات مردم از طرف رژیم دستگیر و زندانی شده اند. اکثر این بازداشت شدگان مدتی را در زندانهای جمهوری اسلامی تحت غیر انسانی ترین شرایط به سر برده و مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته اند.

دستگیری این افراد با اعتراض شدید مردم و خانوادههای آنها نه تنها ابعادی سراسری در ایران گرفت بلکه با اعتراض در خیلی از کشورهای غربی نیز روبرو گشت که



نسرین رمضانلی

روز سه شنبه ۲۰ آذر ماه دادگاه انقلاب و مقامات اطلاعات و امنیتی جمهوری اسلامی حکم احضار ۵۱ تن از شهروندان سقزی را اعلام کردند. جمهوری اسلامی می گوید که این عده در جریان نآرامی های تابستان گذشته بر علیه امنیت ملی اقدام کرده اند و اقدام به خرابکاری و خسارت به اموال عمومی کرده اند. لازم به توضیح

یک خبر تکان دهنده

نقض وحشتناک حقوق معلولین

پوشش این سازمان با خوردن ۴۰ پرس يك نفره ماکارونی رکورد ماکارونی خوری را از بین يك هزار نفر شرکت کننده از آن خود ساختند.

صفحه ۳

سیروان: در مسابقه ماکارونی خوران سازمان بهزیستی استان کردستان که هفته گذشته در سنندج برگزار شد دو معلول ذهنی تحت



محمد آسگران

خبر از این قرار است:

کارگران نساجی حقوق یک ماه دوران اعتصاب خود را گرفتند

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

آزادی و برابری مردم عراق است.

دو آتش بس و دو استراتژی

در بهار سال ۱۳۶۷ هم با تاکید منصور حکمت اعلام آتش بس یکجانبه ای از طرف رهبری وقت کومله برای پایان دادن به جنگ چند ساله با حزب دمکرات کردستان ایران اعلام شد و عملاً جنگ حزب دمکرات و کومله پایان یافت. اما چپ و کمونیسم در کردستان ایران تقویت شد چون بدو حزب دکرات در عرصه نظامی از کمونیستها شکست خورد و دچار انشعاب گردید. و منصور حکمت اعلام کرد حالا فرصت مناسبی است که تعرض سیاسی و اجتماعی خود را به ناسیونالیسم کرد بیش از پیش شدت دهیم. کارگران و زحمتکشان را حول مبارزه پرچم کمونیستی خود هر چه بیشتر بسیج کنیم و شکست نظامی حزب دمکرات را به یک پیروزی عظیم سیاسی و طبقاتی در کردستان تبدیل کنیم.

آزمان کومله با اعلام آتش بس یکطرفه نه تنها هیچ امتیازی به حزب دمکرات نداد بلکه از موضع قدرت وبه شکست کشاندن سیاستهای حزب دمکرات جنگ را متوقف کرد و دیگر این حزب هیچگاه نتوانست مانعی جلی بر سر فعالیت کومله کمونیست آنزمان بگذارد و این خود حزب دمکرات بود که عملاً در بخش جنوبی کردستان توان مقابله با کومله را از دست داد و کل نیروهایشان را وادار به عقب نشینی کرد و دچار تشتت و انشعاب شدند. شکست بورژوازی کرد بوسیله سازمانی که خود را مدافع کارگران، زنان و مردم زحمتکش می دانست باعث شد که کمونیسم کارگری و سیاستهای رادیکال و انسانی آن در میان بخشهای مختلف جامعه ریشه بدواند و از نفوذ و اعتبار بسیار بیشتری برخوردار شود. همچنانکه هم اکنون در کردستان این جنبش کارگری، زنان، جوانان، کودکان و رادیکالیسم است که صحنه سیاسی را رقم می زند نه ناسیونالیسم

احزاب قومپرست.

حال به سراغ حزب ریبوار احمد و سابقه تخاسمشان با اتحادیه میهنی برویم و ببینیم چگونه اینها با سیاست آتش بس یکطرفه اشان خود را به پای اتحادیه میهنی اندخته اند تا نشان دهند، اینها دیگر حزب کمونیست کارگری رادیکال سابق و مدافع حقوق کارگران، زنان، جوانان و منتقد فعال و رادیکال سیاستهای ارتجاعی ناسیونالیسم کرد و احزابش نیستند، بلکه به یک حزب سر بزیر و خاموش در مقابل وضعیت موجود تبدیل می شوند و حاضرند در مقابل تحویل گیری اموالشان و احتمالاً دایر کردن دفتری در مقابل این نیروی ارتجاعی ساکت بمانند.

در کردستان عراق حزب کمونیست کارگری عراق با سیاستهای رادیکالش با دفاع قاطع از حقوق زنان و مقاومت در برابر جریانات ارتجاعی و اسلامی، با دفاع از حقوق کارگران و تلاش برای ایجاد تشکلهای کارگری، با برگزاری مراسمهای باشکوه و هزاران نفره هشت مارس و اول ماه مه در بسیاری از شهرها از جمله سلیمانیه، اربیل، رانیه و... با دفاع از حقوق دستفروشان و محرومان جامعه این حزب را به خاری در چشمان ناسیونالیسم کرد، جریانات اسلامی و احزابشان از جمله اتحادیه میهنی تبدیل کرده بود. اتحادیه میهنی که کنترل بخشی از این مناطق را در دست داشت مدام در حال توطئه و اختشاش علیه حکمکع و همه تشکلهایی بود که علیه سیاستهای ارتجاعی اینها قد علم می کردند. بارها فعالین کارگری و جنبشهای دیگر را به بهانه های واهی مورد اذیت و آزار قرار دادند و آنها را به دادگاه کشاندند.

سال ۲۰۰۰ اتحادیه میهنی فشار به حزب کمونیست کارگری برای خارج کردنشان از شهر سلیمانیه را چند برابر کرد و با قلدردی و وحشیگری تمام بعد از یک هفته فشار و تهدید و قطع آب و برق و

دو آتش بس یکطرفه، دو سیاست متفاوت!

تلفن مقرهای حزب دست آخر طبق نقشه از پیش تعیین شده به سازمان دفاع از حقوق زنان و مقرهای حزب کمونیستها که جرمی بغیر از تلاش برای دنیای عاری از ستم و زور نداشتند را به قتل رساندند و به این شیوه اتحادیه میهنی با تشویق جمهوری اسلامی و احتمالاً دریافت چند صد هزار دلاری کمونیستهای آن جامعه را به قتل رساند و حزب ککع را ناچار به تعطیلی تمامی مقرهایش کردند.

از آن تاریخ به بعد اتحادیه میهنی حتی بر اساس اطلاعیه اخیر ریبوار احمد هیچ تغییری در سیاست سرکوب نسبت به حزب کمونیست کارگری و همه جریانات و مبارزاتی که در حیطه قدرت آنها صورت گرفته روی نداده، نه تنها این بلکه اکنون دیگر اتحادیه میهنی یک پای اصلی قدرت و یکی از مسببین کشتار و نا امنی و تشکیل دولت ارتجاعی قومی و مذهبی است که به رهبری آمریکا و متحدینش به مردم عراق حفته شده، اگر ریبوار احمد و حزیش هنوز به سیاستهای کمونیسم کارگری وفادار بودند باید پیگیرتر از گذشته به افشای اتحادیه میهنی و باتلاقی که مردم عراق را در آن گرفتار کرده اند می پرداخت و کارگران و مردم ستمدیده عراق و کردستان را علیه قدرت ارتجاعی و خونین اینها می شوراند.

بعد از حمله اتحادیه میهنی به مقرهای حکمکع در سال ۲۰۰۰، منصور حکمت در انترناسیونال شماره ۱۲ طی مطلبی دلایل حمله به حزب کمونیست کارگری عراق را چنین توضیح می دهد:

"رفقای ما را چرا کشتند؟ برگردید و به "ادعا نامه" چندماه قبل "دادستانی" حکومت عشیرتی- لومپنی طالبانی علیه حزب کمونیست کارگری عراق نگاه کنید. سیاه روی سفید نوشته اند که جرم ما اینست که برابری زن و مرد را تبلیغ میکنیم، که از زنان در برابر تروریسم

اسلامی و عشیرتی دفاع میکنیم، که مردم را به حمایت از حزب فرا میخوانیم، که در مقابل جریانات مرتجع اسلامی ایستاده ایم و با اسلامیزه شدن جامعه کردستان و حاکم شدن بختک سیاه مذهب بر زندگی میلیونها مردم مبارزه میکنیم، که خواهان اعلام استقلال کردستان عراق و پایان بیحقوقی و بی هویتی و بی آیدگی ای هستیم که امثال طالبانی قریب دهسال است بنا به خواست وزارت خارجه آمریکا و دول مرتجع منطقه به مردم کردستان عراق تحمیل کرده اند. جرم ما اینست که آقای طالبانی و طایفه اش پول و تفنگ و ماموریتی از اطراف گرفته اند، جرم ما اینست که مردم کردستان را شایسته چیزی بهتر از این میدانیم، جرم ما اینست که مزاحم لغت و لیس و حکومت کردن یک عده رئیس قبیله و گانگستر در کردستانیم و میخواستیم مردم حکومت کنند و سرنوشت خود را بدست بگیرند."

موضع پنج سال پیش منصور حکمت را با جمله اول اطلاعیه ریبوار احمد مقایسه کنید که می گوید "سال ۲۰۰۰ بدنبال مقداری اختلاف سیاسی در میان ما و اتحادیه میهنی به ما حمله کردند و... تا عمق راست روی و دست شستن ریبوار و حزیش از مواضع کمونیسم کارگری روشن شود.

امروز بعد از گذشت ۵ سال از حمله اتحادیه میهنی به حزب کمونیست کارگری عراق و بارها دستگیری و زندان و شکنجه افراد این حزب توسط اتحادیه میهنی نه تنها هیچ تغییری در سیاست اتحادیه میهنی پیش نیامده بلکه خود ریبوار احمد می گوید:

" در پنج سال و نیم گذشته بخاطر تاکید اتحادیه میهنی برای ادامه جنگ طلبی و سرکوب و فراری دادن حزب ما و زیر پا گذاشتن آزادیهای سیاسی تا هم اکنون هم این رودر روئی و فضای تشنج در میانمان دامه دارد"

ریبوار احمد و حزیش امروز

برای سازش و تسلیمشان در مقابل اتحادیه میهنی احتیاج دارد بگوید تشنج و رودروئی در میان ادامه دارد و گرنه اصولاً جنگی در میان نبوده تا شما آتش بس کنید. در روز روشن آمدند و نیروهای شما را به رگبار بستند، مقرهایتان را تصرف کردند و تا به امروز هم فعالیتتان را غیر قانونی اعلام کرده اند، آنها کوچکترین نرمشی از خود نشان نداده اند و این شماست که دیگر از سیاستهای رادیکال و کمونیستی تان دست شسته اید، این شماست که می خواهید کوتاه بیایید، سرکوب مبارزه مردم توسط اتحادیه میهنی به بهانه موجودیت حزب شما بیشتر به جوك شبیه است. انگار اگر شما نبودید آنها کسی را سرکوب نمی کردند؟ به صف کارگران بیکار تیر اندزی نمی کردند؟ و زندانهایشان را محکمتر از حکومت کثیف بعث عراق ترمیم نمی کردند؟

واقعیت این است که حزب کمونیست کارگری عراق بعد از گروین به سیاستهای راست جریانی که به رهبری کورش مدرسی از حزب ما جدا شدند، دیگر آن حزب کمونیست و خلاف جریانی که توده های مردم را برای انقلاب و خلاصی از دست احزاب قومی و عشیره ای در عراق و کردستان فرا بخواند نیست. نباید به اینها امید داشت. دارند با سر به ته دره سقوط می کنند.

کمونیسم کارگری در عراق وظیفه دارد علیه جریانات ارتجاعی و گانگسترهای قومی و مذهبی بایستد و مردم را برای اعتراض و مبارزه علیه سلطه اشان بسیج و سازماندهی کند. در عین حال باید کسانی که به اسم منصور حکمت دارند به چشم مردم خاک می باشند افشا کرد. حزب کمونیست کارگری چپ نماینده پایان دادن به این سناریوی سیاه در عراق است و باید با تمام توان این حزب را تقویت کرد. حزب کمونیست کارگری چپ عراق را باید به خار چشم حکومت مرتجع قومی - عشیرتی جلال طالبانی در سلیمانیه و بغداد تبدیل کرد .

۱۰ دسامبر ۲۰۰۵

کارگران نساجی حقوق یک ماه دوران اعتصاب خود را گرفتند

برخورد کنند. تشکیل مجمع عمومی و تصمیم گیری برای پیگیری مطالبات باقی مانده اولین قدم مهم کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان است.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**
آذر ۱۳۸۴
۱۹ دسامبر ۲۰۰۵

محسوب میشود. دستمزد کارگران به موقع باید پرداخت شود. ما همه کارگران نساجی کردستان را فرامیخوانیم که کارفرما را ناچار کنند هر ماه در روز پایان ماه دستمزدها را پرداخت کند. زیرا اگر کارفرما دستمزدها را به موقع پرداخت نکند امکان و توان بیشتری برای ایجاد تفرقه در میان کارگران پیدا میکند. کارگران نساجی باید با هشیاری کامل به این شایعات

شد که مطالبات کارگران در اسرع وقت جواب داده شود. اما با وجود این توافقات پی در پی، کارگران تنها به نیرو و اتحاد خود اتکا کرده و تلاش میکنند خواسته های خود را به کارفرما و دولت تحمیل کنند. اخیرا کارفرما شایع کرده است که به دلیل کمی تولید نمیتواند ماهانه دستمزدها را پرداخت کند. این شایعه هشدار برای کارگران

دوران اعتصاب خود را دریافت کردند. برای دریافت حقوق ۲۷ روز باقیمانده حقوق دوران اعتصاب کارگران نساجی کردستان قرار است علیه کارفرما شکایت کنند. به دنبال تجمع اعتراضی کارگران نساجی کردستان در مقابل دانشگاه علوم پزشکی و مذاکره نمایندگان کارگران با سپهر معاون سیاسی استاندار، حراست، اطلاعات و کارفرمای کارخانه توافق



طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران امروز ۲۸ آذر ۱۳۸۴ کارگران نساجی کردستان ۵۰ درصد حقوق

نقض و حشناک حقوق معلولین

یک خبر تکان دهنده

از صفحه ۱

به گفته بی نظیر جلالی مسئول روابط عمومی سازمان بهزیستی استان کردستان، به جز این دو معلول ذهنی، ۳۸ معلول ذهنی دیگر رکورد خوردن بیشترین پرس های ماکارونی را کسب کردند. او گفت: به ۴۰ معلول ذهنی که بیشترین ماکارونی را خوردند یک کارتن ماکارونی اهدا شد. در این مسابقه ۵۰ بسته ماکارونی با دو کیسه سویا از طریق کارخانه ماکارونی خاوین در اختیار سازمان بهزیستی قرار گرفت که توسط سه آشپز برای یک هزار نفر شرکت کننده تحت پوشش این سازمان طبخ شد.

<http://www.sirwanweekly.com/Default.aspx?TabId=58&nid=4027>

میگیرند، بلکه حتی به معلولین هم رحم نمیشود. معلولین ذهنی که قاعدتا نمیتوانند زندگی نرمال خودشان را سازمان دهند باید مورد مهر و محبت و پرورش جامعه قرار گیرند که بتوانند در پروسه پرورش و تربیتی خود را بازیابند. اما در ایران تحت حکومت اسلامی این انسانهای درمانده به بازیچه سود و سرمایه تبدیل شده اند. این اعمال ضد انسانی رژیم اسلامی باید محکوم و سواستفاده از معلولین باید ممنوع و جرم محسوب شود.

۱۳۸۴ آذر ۲۷
۲۰۰۵ دسامبر ۱۸

در ایران تحت حاکمیت مقررات اسلامی این افراد در بدترین شرایط بسر میبرند. اینها برای همه ما روشن و مبهره است. اما این بار معلولین را موضوع یک برنامه چندش آور کرده و برای تبلیغ و مزاح تعدادی از آنها را وادار کرده اند که در یک مسابقه پرخوری شرکت کرده و دو نفر معلول ذهنی را که ۴۰ پرس ماکارونی خورده اند را "برنده" اعلام میکنند. این رفتار زشت و غیر قابل تحمل است. این رفتار توهین آمیز و تحقیر کننده باید با اعتراض شدید مدافعین حقوق انسانی روبرو شود. معلول ذهنی یعنی کسی که به کمک و آرامش احتیاج دارد. یعنی کسی که باید تحت پوشش پرورشی و بازیابی خودش قرار گیرد. جامعه باید با احترام و با احساس مسولیت به آنها برخورد کند. اما در ایران اسلامی این تنها انسانهای سالم نیستند که مورد بهره برداری و سواستفاده دولت و سرمایه داران قرار

کمی کمتر از آن به ۳۸ نفر دیگر، خبری از سلامتی یا مریضی این انسانهای درمانده به بیرون درز نکرده است. اما قابل تصور است هنگامی که دو نفر معلول ذهنی ۴۰ پرس ماکارونی را خورده اند اگر نمرده باشند به یقین باید مریض و بستری شده باشند. معلولین در ایران، معمولا موضوع هیچ نوشته و بررسی و ارزیابی جدی نیستند. انسانهایی معلول که در انزوا و سایه، زندگی میکنند، معمولا در انزوا نیز می میرند. انسانهایی که جامعه و دولت در قبال آنها مسئولیتی احساس نمیکند. مشکلات این افراد معمولا بر دوش خانواده هایشان است. حتی آنها که در "بهزیستی" بسر میبرند باز هم مسئولیت اصلی به عهده خانواده است. فرهنگ، قانون و سنتهای عقب مانده و رفتار غیر انسانی و غیر مسئولانه حکومت اسلامی، سرنوشت این افراد را سیاه رقم زده و

انسانهای معلول را که به بیشترین احترام و کمک نیازمند اند، به وسیله بازی و سرگرمی و وسیله تبلیغ برای یک کارخانه تبدیل کنند. این اعمال توهین آمیز و بیرحمانه را باید محکوم کرد. معلولین ذهنی نمیتوانند تشخیص دهند چقدر بخورند یا نخورند. اما هنگامی که آنها را در فضای این چنینی تحت عنوان مسابقه قرار میدهند، به این معنی است که در ایران معلولین را رسما و قانونا شکنجه میدهند. این یک سو استفاده آشکار از انسانهایی است که نمیتوانند خودشان تصمیم بگیرند. این یک سو استفاده معمولی جامعه سرمایه داری و حکومت اسلامی از شهروندان نیست. این توحش آشکار شبیه سیاستهای هیتلری است که معلولین را میکشند. البته اگر آقای احمدی نژاد اینرا هم مثل کشتار هولوکاست انکار نکند. اکنون بعد از خوردن ۴۰ پرس ماکارونی به دو معلول ذهنی و

خبر بالا که در تاریخ ۱۷ آذر ۸۴ در سایت سیروان درج شده است، به اندازه کافی تکان دهنده و قساوت بعضی "انسانهای سالم" را به وضوح نشان میدهد. اداره بهزیستی جمهوری اسلامی با این اعمال، آموزش و فرهنگ معینی را به نمایش میگذارد. از فرهنگ و رافت اسلامی بیش از این نمیشود انتظار داشت. اگر این انسانها سالم و بالغ بودند شاید چندان حساسیت برانگیز نبود. اما کسانی که معلول ذهنی هستند و قرار است این مرکز آنها را بهبود ببخشد، میبینیم که به عنوان اسباب بازی و سرگرمی و تبلیغ کالای سرمایه داران از آنها بهره برداری میشود. این اهانت به انسانهای معلول است. این بی احترامی را سایت سیروان هم با آب و تاب درج کرده است. هدف اصلی در این وسط تبلیغ برای یک کارخانه است. اما اینجا انسانهای "سالم" و سیستم "سالمتر" جمهوری اسلامی آگاهانه تصمیم گرفته اند که

ایجاد تسهیلات لازم برای شرکت فعال معلولین و افراد دارای نقص عضو در کلیه شئون زندگی اجتماعی. ایجاد تسهیلات و تجهیزات ویژه معلولین در اماکن عمومی، معابر، مجموعه های مسکونی و غیره. تامین و پرداخت هزینه وسایل و ابزارهای فنی و کمکی ضروری برای تسهیل روزمره افراد دارای نقص عضو. از (یک دنیای بهتر) برنامه حزب کمونیست کارگری

در مقابل احضار ها باید اعتراض سازمان داد

شهر مهاباد، به میدان آمدند. مردم نشان دادند انتخاب احمدی نژاد و حتی ایجاد فضای رعب و وحشتی که دولت يك دست رژیم و احمدی نژاد می خواست تحمیل کند در همان نطفه توسط مردم و اعتراضات وسیع احمدی نژاد را هم سر جایش میخکوب کرد.

جمهوری اسلامی با این احضارها می خواهد بگوید که به هیچوجه اجازه اعتراض و ابراز وجود سیاسی به مردم بویژه در کردستان نخواهد داد. هر مبارزه و اعتراضی که بر علیه حکومت و بر علیه سیاستهای سرکوبگرانه مردم باشد را برای سرکوب مردم به کار خواهد گرفت. تهدیدات مقامات ریز و درشت رژیم بر علیه مردم طی هفته های اخیر عربده کشی های دادگاهها و امامان جماعت بر علیه مردم کردستان تقویت فضا و جو پلیسی و تشدید سرکوب مردم احضار فعالیت سیاسی و اجتماعی و مدافین حقوق زنان و کودکان تهدیدی به دستگیری فعالین کارگری، سازماندهی محاکمات نمایشی و زدن اتهام واهی "اقدام بر علیه امنیت ملی" بر علیه دستگیر شدگان صدور احکام جلب و احضار تقریبا تمامی چهر های مردمی و فعالین سیاسی کردستان، بخش هایی از اقدامات سرکوبگرانه رژیم است که در مقابل و برای سرکوب اعتراضات محتمل مردم، رژیم در دست دارد. جمهوری اسلامی با این اقدامات سرکوبگرانه می خواهد قدر قدرتی و مسلط بودن نیروهای سرکوبگرش در کردستان را به رخ مردم بکشد. می خواهد مردم را ترسانده و از مردم زهر چشم بگیرد. می خواهد این باور را در میان مردم معترض و فعالین سیاسی و کارگری در کردستان القا نماید که رژیم قادر است هر گونه اعتراض و مقاومت و مبارزه مردم را سرکوب نموده و خاموش نماید. اما اینکه این ادعاها و اقدامات

سرکوبگرانه جمهوری اسلامی تا چه حد قادر بوده و اصولا قادر می باشد موج مبارزه و اعتراض مردم بر علیه حکومت را سد کرده و مردم را ارباب نماید، خود مسئله دیگری است. واقعیت این است و اینرا حکومت بهتر از هر کسی می داند که جمهوری اسلامی هیچ موقع پایگاهی در میان مردم کردستان نداشته و از بدو سرکار آمدنش، مردم

و نظامی که دارد زمین گیر خواهد نمود. این آن واقعیتی است که رژیم هم آن را دیده و می خواهد تا اوضاع از دستش خارج نشده و تا مردم بیشتر از این عرصه را برایش تنگ نمایند، به صرافت دستگیری و احضارهای اخیر افتاده است. آن هم احضار فعالینسی که از سازماندهندگان و رهبران مبارزات کارگری و مردمی هستند. جمهوری



این منطقه مشغول سازماندهی اعتراض و مبارزه بر علیه حکومت بوده و هستند. این مردم بارها و بارها ثبت کرده اند که نه ترس از حکومت نظامی نه ترس از اعدام و نه ترس از تشدید سرکوبگری رژیم داشته و دارند. مردم کردستان بویژه طی سالهای اخیر همیشه در صحنه مبارزه بر علیه حکومت بوده و هستند. این مردم اشکال و شیوه هایی از مبارزات اجتماعی را سازماندهی کرده و به جلو برده اند که خود رژیم انگشت به دهان شده است. جنبش اعتراضی و ضد حکومتی آنقدر در کردستان قوی و عمومیت یافته است و در شاخه های مختلف مبارزات کارگری و اجتماعی ریشه دوانیده است که براحتی نمی شود سرکوبش کرد و روانه خانه اش نمود. جنبش سرنگونی خواهی مردم کردستان همنظوریکه در جریان اعتراضات تابستان گذشته نشان داد، اگر بخواهد و به میدان بیاید رژیم را با تمام توان و ظرفیت های سرکوبگری

تا آنجایی که به احضارهای اخیر بر می گردد باید جلوی این تعرض را گرفت. فعالین سیاسی و خانواده ها و بستگان دستگیر شدگان باید عقب ننشینند. باید يك اعتراض وسیع و همگانی را بر علیه این اقدامات حکومت نه فقط در سفز بلکه در تمام کردستان در دستور گذاشت. باید يك صدا و متحد اعلام کرد که:

همه دستگیر شدگان اعتراضات تابستان گذشته باید فوراً آزاد بشوند. احضار فعالین و مبارزین سیاسی باید فوراً متوقف شود. احضار شدگان سفز باید فوراً آزاد شده و به زندگی عادی برگردانده شوند.

اگر کسی قرار است دستگیر و محاکمه بشود این خود سران حکومت و روسای دادگاهها و قضات رژیم می باشند که بیش از دو دهه مردم را می کشند و هزاران نفر را زندانی کرده اند می باشند. جمهوری اسلامی نه صلاحیت و نه اجازه این را دارد که کسی را به جرم واهی "اقدام بر علیه امنیت ملی" دستگیر و روانه زندان نماید.

اگر کسی امنیت و زندگی مردم را بر هم زده اگر کسی کشتن و جنایت و سرکوب و زندان و شکنجه را بر کرده مردم کردستان تحمیل کرده اگر کسی بر علیه منافع مردم و بر علیه حواستهای انسانی این مردم بوده و هست که با تمام دم و دستگاه سرکوبگر و ماشین آدم کشی اش هر روز و هر لحظه امنیت مردم را به مخاطره می اندازد، خود جمهوری اسلامی و سران جنایتکارش هستند. تمامی سران جمهوری اسلامی تمامی مقامات حکومتی باید به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت دستگیر و در دادگاههای بین المللی به محاکمه کشانده شوند.

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

۴۱ متر برابر با

۷۴۹۰ کیلو هرتز

تلویزیون

کانال جدید

۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608MHz

SymbolRate:19279

FEC:2/3

Polarization:
Horizontal

از سایت ایسکرا کنید

www.iskraa.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!